قدس خط قرمز

www.qudsonline.ir

شنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۵
۵ صفر ۱۴۳۸
۵ نوامبر ۲۰۱۶
سال بیست و نهم | شماره ۸۲۵۶
پست الکترونیک
INFO@QUDSONLINE.IR

خط حادثه

کلاهبردار ۶۵میلیاردی بم دستگیر شد

خط قرمز/ کرمان: دادستان عمومی وانقلاب شهرستان بم از دستگیری یک فرد شیاد خبرداد وافزود: این مجرم اقدام به ۶۵ میلیارد ریال کلاهبرداری از بیش از ۱۵۰نفر ازمردم این شهرستان نموده بود.

محمد ضیاءالدینی با بیان اینکه این کلاهبردار از سال ۱۳۹۲فراری بوده است، اظهار داشت: با توجه به تعداد زیاد شاکیان وهمچنین میزان بالای مبلغ کلاهبرداری، دستگیری این مجرم در دستور کار ویژه دادستانی شهرستان بم قرار گرفت.

وی اعلام کرد:طی یکسری اقدامات اطلاعاتی توسط سربازان گمنام امام زمان(عج)، مجرم در یکی از استان‌های کشور ودر محل مخفیگاهش دستگیر شد. وی در خصوص شیوه کار این کلاهبردار گفت: مجرم از طریق تبلیغات مبنی بر تعویض خودروهای فرسوده وهمچنین ثبت نام برای فروش خودرو اقدام به فریب بیش از ۱۵۰ نفر از شهروندان بم نموده است.

دادستان بم گفت: حکم این کلاهبردار حرفه‌ای در سال ۹۲صادر وقطعی شده است و وی از جنبه خصوصی به رد اموال کلاهبرداری به میزان ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان در حق شکات پرونده و از جنبه عمومی به پنج سال حبس وپرداخت جزای نقدی به میزان مبلغ کلاهبرداری در حق صندوق دولت محکوم شده است.

مرد معتاد از دوستش هم زورگیری کرد

خط قرمز: عصر روز نهم آبان ماه جاری بود که مردی در تماس با مأموران انتظامی از سرقت شدن گوشی خود و پولش خبر داد. پس از ثبت این گزارش در سامانه پلیسی سریعا مأموران به محل مربوطه رفتند. وقتی تحقیقات اولیه در محل کلید خورد مالباخته گفت: در حال رفتن بودم که فردی پول و گوشی سامسونگ نوت۴ مرا با تهدید چاقو از من گرفت و بعد از محل دور شد. تحقیقات در مرحله بعدی مشخص کرد که خطی به نام یک سارق سابقه دار در این گوشی قرار داده شده است و بعد از آن مأموران به آدرس اعلامی اعزام شدند.

متهم پس از دستگیری و در همان تحقیقات اولیه به جرم خود صراحتا اعتراف کرد و با دستور قضایی در اختیار مأموران انتظامی قرار گرفت تا هرچه سریعتر و با احضار شاکی پرونده حقیقت موضوع مشخص شود.

باند مالخرها و سرقت داخل خودرو با یک خبر متلاشی شد

خط قرمز/ کاهانی مقدم: با تلاش کارآگاهان پایگاه شرق مشهد، یک باند حرفه‌ای سرقت لوازم داخل خودرو متلاشی شد.گزارش خبرنگار ما به نقل از رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی حاکی است اواخر هفته گذشته، کارآگاهان این پایگاه از نگهداری مقادیر قابل توجهی اموال مسروقه در منزل یک سارق حرفه‌ای در منطقه عباس آباد بولوار طبرسی شمالی باخبر شدند.

وی گفت: با دریافت این خبر اکیپی از کارآگاهان به طور نامحسوس منزل این سارق را زیرنظر گرفتند و پس از مدتی، با اطمینان یافتن از صحت خبر دپوی اموال مسروقه و نیز مشاهده تردد افراد مالخر در این محل، هماهنگی‌های لازم قضایی را انجام داده و روز پنجشنبه این فرد را در اقدامی ضربتی دستگیر کردند.

سرهنگ حمید رزمخواه افزود: در بازرسی مخفیگاه و منزل این فرد۳۴ ساله که دارای چندین فقره سابقه سرقت می‌باشد، مقادیر زیادی اقلام مسروقه شامل تلویزیون، دستگاه دی وی دی، چادر مسافرتی، کارتریج چاپگر، پیک نیک، باند خودرو، باک موتورسیکلت، جعبه آچار و امثال آن کشف شد.

وی تصریح کرد: متهم دستگیر شده نیز در بازجویی‌ها تاکنون به هشت فقره سرقت داخل خودرو و فروش بخشی از اموال مسروقه به پنج نفر مالخر اعتراف کرده است که با توجه به اعترافات این فرد، خریداران اموال مسروقه نیز در عملیات‌های جداگانه مأموران پایگاه شرق پلیس آگاهی مشهد دستگیر شدند و از ناحیه آنان هم مقادیر زیادی اموال مسروقه به دست آمد.به گفته سرهنگ رزمخواه با توجه به اموال مسروقه و مستندات کشف شده از مخفیگاه متهم ردیف اول و مالخرها، تحقیقات بیشتر به منظور کشف سایر سرقت‌ها و جرایم احتمالی آنان ادامه دارد.

کیف قاپی با خودروی پلاک دولتی

خط قرمز: این بار در طرحی تازه سارقی به کمک مزدا دو کابینه و با پلاک دولتی به کیف قاپی در غرب تهران روی آورده بود. این پرونده با چهل فقره سرقت مشابه در حالی در شعبه هشتم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تشکیل شده بود که متهم اصلی آن در روز پنجم آبان ماه جاری بازداشت و روانه بازداشتگاه پایگاه دوم آگاهی تهران بزرگ شد. تحقیقات در زمینه این پرونده تا روشن شدن تمام حقیقت ادامه دارد.

شب چهارم آبان ماه جاری بود که وقوع یک فقره سرقت از زنی با هویت مهری در غرب تهران به مأموران ۱۳۸ جنت آباد اعلام شد.

پس از حضور مأموران در محل حادثه شاکی در برابر افسر بازجوی پرونده قرار گرفت و اینگونه به طرح شکایت خود پرداخت: من در خیابان در حال بازگشت از دانشگاه بودم که با پیاده روی پر از خاک روبه رو شدم و مجبور شدم به داخل خیابان بروم تا بتوانم به راهم برای رسیدن به خانه ادامه بدهم. در همین لحظه یکدفعه یک مزدا دو کابینه با پلاک دولتی که موفق به برداشتن شماره آن شدم به من نزدیک شد. خواستم خودم را از سر راهش کنار بکشم که یکدفعه کیفم را از من ربود. داخل کیفم سه گوشی هوشمند که دو عددش برای خودم و یکی برای مادرم بود به همراه یک تبلت داشتم. همچنین ۲۰۰ هزار تومان که تازه از عابر بانک برداشت کرده بودم و به نظرم این وانت مزدا نیز مرا از جلوی عابر بانک تعقیب کرده بود و مطئمن بود که همراهم پول دارم.

پس از ثبت این شکایت و با توجه به شکایت‌های قبلی که با همین وانت مزدای پلاک دولتی صورت گرفته بود تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت گرفت. این بار اما پلاک این وانت مزدای دو کابینه توسط دختر جوان برداشته شده بود و همین تنها سرنخ ماجرا برای دستگیری سارق بود. پس از این در حالیکه مأموران پایگاه دوم آگاهی با دستور قضایی در مورد این وانت مزدا گشت می زدند بالاخره وانت مورد نظر که راننده در آن حضور نداشت در کنار خیابان در تاریخ پنجم آبان ماه ساعت ۲۲ کشف شد. در حالی مأموران این وانت مزدا را زیر نظر گرفته بودند که مشخص بود راننده در همین حوالی است و بالاخره مردی از راه رسید که درب وانت مزدا را باز کرد. پس از این مأموران به سمت این مرد رفته و در حالیکه او قصد پرداخت رشوه به مأموران را داشت بازداشتش کردند. با بررسی و سوال و جواب از این مرد مشخص شد نام او بهرام است و با صدور دستور قضایی او به بازداشتگاه پایگاه دوم آگاهی انتقال داده شد. این متهم که در تمام مراحل بازجویی ادعای بی گناهی و بی خبری داشت، به شعبه هشتم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ منتقل شد.

زمانی که این مرد در برابر بازپرس رسولی قرار گرفت اینگونه ادعا کرد که در آن روز که دستگیر شدم تنها قصد برداشتن تریاکی را که داخل ماشین بود داشتم. دوستم به من گفته بود داخل داشبورد مقداری تریاک جاساز کرده است و سوییچ را نیز خودش به من داد که بعد از رسیدن من به ماشین توسط مأموران دستگیر شدم.

پس از ثبت این اظهارات در پرونده و با توجه به اظهارات ضد و نقیض متهم در مورد حقیقت موضوع، به دستور بازپرس رسولی این فرد در اختیار مأموران پایگاه دوم آگاهی قرار گرفت تا هرچه سریعتر حقیقت در زمینه گفته‌های او روشن شود.

دست قاتل را جاسیگاری رو کرد

خط قرمز: اردیبهشت ماه سال ۸۷ مأموران پلیس آگاهی تهران در عملیاتی ویژه با دستور بازپرس ویژه قتل پایتخت، مأموریت یافتند تا از قتل مرموز زنی جوان پرده بردارند و بزودی با توجه به شواهد و قرائن مشخص شد قاتل همسر مقتول بوده است.

۱۱ اردیبهشت ماه سال ۸۷ بود که مأموران انتظامی یکی از محلات تهران در جریان قتل زنی در خانه‌اش قرار گرفتند. تحقیقات اولیه در محل نشان می‌داد که مقتول پنج سال پیش به عقد موقت مردی به نام محسن در آمده و پس از آن صاحب پسری شده است. این زن جوان از همسر اولش هم پسری داشت که این پسر نخستین کسی بود که با جسد مادرش روبه رو شده بود. او زمانی که وارد خانه می‌شود جسد مادرش را در اتاق خواب می‌بیند و سریعا موضوع را به مأموران انتظامی اعلام می‌کند. کارآگاهان با انجام تحقیقات میدانی پی می برند که همسر موقت قربانی و پسرشان زمان حادثه در خانه نبوده‌اند. از سوی دیگر همسایه‌ها شاهد بودند که ساعاتی قبل‌تر صدای درگیری این زوج را از خانه شان شنیده‌اند. به این ترتیب فرضیه جنایت از سوی همسر وی قوت یافت و او نخستین مظنون اصلی پلیس بود که بازداشت شد. هرچند محسن مدعی بود که روزقبل از حادثه با پسرش به خانه یکی از دوستانش رفته و ماجرای قتل را از پسرهمسرش شنیده است اما اظهارات همسایه‌ها و وجود ۷ فیلتر سیگار در جاسیگاری اتاق خواب مقتول حکایت از این داشت که محسن شب حادثه در خانه بوده و حالا با دروغ پردازی سعی دارد تیم تحقیق و تجسس را گمراه کند. از سوی دیگر بررسی‌های بعدی نیز نشان می‌داد که مدت عقد موقت آنها به پایان رسیده بود و همسر مقتول قصد داشت به این زندگی پایان دهد اما قربانی به خاطر پسرشان حاضر به جدایی نبود و بر سر این موضوع آنها به شدت اختلاف داشتند. همه این شواهد باعث شد تا سرانجام مرد جوان راز جنایت را فاش کند. او اعتراف کرد که به خاطر همین اختلافات و درگیری سر همسرش را به دیوار کوبیده و بعد با روسری و سیم خفه‌اش کرده است. وی می گفت پس از قتل همراه پسرش از خانه بیرون رفته تا با صحنه سازی خودش را بی گناه نشان دهد. متهم پس از مدتی در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری محاکمه شد و باردیگر خودش را بی گناه دانست. با این وجود قضات وی را به قصاص محکوم کردند و حکم به تأیید قضات شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور رسید. در حالیکه پرونده به شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شده و متهم در یک قدمی چوبه دار بود تلاش واحد صلح و سازش برای رضایت شروع شد تا اینکه پسرمقتول دیروز به دادسرای جنایی تهران رفت و پدرش را بخشید و از قصاص وی گذشت کرد. با توجه به بخشش وی ، متهم یک قدم از چوبه دار فاصله گرفت و تلاش برای رضایت پسر دیگر مقتول ادامه دارد.

گفت وگوی قدس با سارق عشق ماشین‌های باکلاس

وقتی معتادی و پول نداری سراغ دزدی می‌روی

خط قرمز: ترفند کارآگاهان مبارزه با سرقت برای پایین آوردن آمار سرقت و دستگیری متهمان نتیجه داد و سارق گریز پا را به دام‌انداخت مأموران شایعه کرده بودند که خودروی اسپورتیج آقای سارق در پارکینگ تصادف کرده و با همین شایعه دزد متواری بالاخره از مخفیگاهش بیرون آمد و دستگیر شد.

آمار سرقت‌های خانه‌های اعیانی شمال و شمال غرب پایتخت بالا رفته بود .

بررسی‌ها نشان داد که همه سرقت‌ها از سوی اعضای یک باند انجام می‌شود اما اعضای باند آنقدر کارکشته و حرفه‌ای بودند که بدون برجا گذاشتن هیچ ردی خانه‌های اعیانی خالی از سکنه را جارو می‌کردند و پا به فرار می‌گذاشتند. بررسی‌های پلیسی نشان می‌داد که سارقان گریز پا فکر همه جای کار را کرده‌اند دوربین‌های مداربسته را از کار می‌اندازند، پلاک خودروها و موتورسیکلت‌هایی که همراهشان می‌برند را مخدوش می‌کنند و جدا از همه این محکم کاری‌ها چهره‌هایشان را با کلاه کاسکت می‌پوشانند و همه این کارها برای فرار از دست مأموران است، تحقیقات پلیسی برای به دام‌انداختن سارقان خوش اشتها در حالی ادامه داشت که دو فرضیه برای کارآگاهان تیم مبارزه با سرقت ایجاد شده بود اول اینکه با توجه به نوع سرقت‌ها سارقان حسابی با معماری خانه‌هایی که از آنها سرقت می‌کردند آشنایی داشتند و دوم اینکه این همه لاپوشانی و نقاب زدن و ماسکه کردن صورت یک دلیل بیشتر نداشت و آن هم این بود که سارقان سابقه دارند. پیگیری همین سرنخ با گذشت دو ماه سرانجام نتیجه داد . کارآگاهان در جریان پی‌جویی‌های پلیسی متوجه شدند سارق سابقه داری عضو باند است که بین سارق‌ها به کلکسیونر ماشین معروف است و عشق ماشین است. رئیس باند دزدان خانه وقتی شنید برای اسپورتیجش در پارکینگ اتفاقی افتاده سریع از مخفیگاهش خارج شد و خود را در محاصره پلیس دید.

نقشه سرقت‌های چهار مرد خشن خیلی حرفه‌ای بود با این حال کارآگاهان پلیس موفق به دستگیری دزدان شب‌رو شدند. سردسته ۲۵ ساله این باند پسر شیشه‌ای است که سرقت‌های زیادی را در کارنامه خود دارد. او و سه هم‌پاتوقی‌اش شبانه وارد خانه‌ها شده و پول نقد و طلا به سرقت می‌بردند.

◆ سرقت‌ها را چطور انجام می‌دادی؟

شیوه ما توپی‌زنی بود، در خیابان‌ها و کوچه‌ها پرسه می‌زدیم و با دیدن خانه‌ای که چراغ‌هایش خاموش بود سوژه‌مان را پیدا می‌کردیم. برای اطمینان زنگ خانه را به صدا درمی‌آوردیم اگر کسی در را باز نمی‌کرد مطمئن می‌شدیم که خانه خالی است و با شکستن قفل در خانه‌ها وارد شده و نقشه سرقت را اجرا می‌کردیم.

◆ از سرقت‌ها چقدر گیرتان می‌آمد؟

راستش را بخواهید چیزی دستمان را نمی‌گرفت. هر چقدر که گیرمان می‌آمد را مالخر نصف قیمت برمی‌داشت. البته گاهی اوقات هم به جای پول، مواد گیرمان می‌آمد.

◆ با همدستانت چطور آشنا شدی؟

هم‌محلی و هم‌پاتوقی مواد بودیم. وقتی کفگیر همه‌مان به ته دیگ خورد و پولی برای خرید مواد نداشتیم تصمیم گرفتیم که با سرقت پول به دست آوریم.

◆ هفته‌ای چند بار برای سرقت می‌رفتید؟

بستگی داشت، از یک سرقت چقدر گیرمان می‌آمد و تا چند روز کفاف موادمان را می‌داد.

◆ با چه وسیله‌ای سرقت‌ها را انجام می‌دادید؟

موتورسیکلت، معمولا دو موتوره می‌رفتیم. ترک‌نشینان وارد خانه‌ها می‌شدند و راکب‌ها پایین منتظر می‌ماندند تا سرقت انجام شود.

◆ موتورها برای خودتان بود؟

نه؛ یکی از همدستانم با زورگیری موتورها را سرقت کرده بود.

◆ چه شد که تصمیم گرفتی سرقت کنی؟

همه‌اش به خاطر مواد مخدر است. وقتی معتاد می‌شوی نه می‌توانی کار کنی و نه پولی بدست می‌آوری که بتوانی با آن خرج موادت را تهیه کنی به همین دلیل مجبوری راهی برای بدست آوردن پول پیدا کنی. از طرفی هیچ کسی حتی خانواده نیز به آدمی که معتاد است پول نمی‌دهد تا آنها را دود کند.

◆ چطور دستگیر شدی؟

ماشینم در پارکینگ بود، تماس گرفتند که ماشین مشکل پیدا کرده و فورا خودت را برسان. وقتی به پارکینگ رفتم دستگیر شدم. ما آن‌قدر حرفه‌ای سرقت‌هایمان را انجام می‌دادیم که یک درصد هم احتمال نمی‌دادیم که به دام بیفتیم و دستگیر شویم.

◆ چه ماشینی؟

اسپورتیج برای عمویم بود اما مدتی است که دست من می‌دهد تا سوار شوم.

◆ چرا این کار را می‌کنند؟

متهم جوان سکوت می‌کند.

◆ ظاهراً یکی از مالباخته‌ها را با چاقو زده‌ای؟

من این کار را نکردم؛ یکی از همدستانم موقع فرار با صاحب خانه مواجه شد و او را با چاقو زد.

◆ درگیری برای چی بود؟

برای فامیل یکی از دوستانم مزاحمت ایجاد کرده بودند. برای من پیغام فرستاد که می‌خواهد برود دعوا و رو کم کنی. من هم با او همراه شدم و نتیجه‌اش هم حبس شد. در این دعوا من هیچ کاره بودم، اما به خاطر این‌که اسمی در کنم و به بچه محل‌ها بگویم که من گود را خالی نمی‌کنم در درگیری شرکت کردم و نتیجه‌اش هم حبس شد.

دستگیری مردی که از طلا و نقره فروشیها انگشتر کش می‌رفت

خط قرمز/ سعید کوشافر: گشت پلیس در حال حرکت در خیابان بود، افسر گشت مطابق معمول و براساس تجربه‌هایی که طی سالهای خدمت اندوخته بود، به عابران و خودروهایی که در مسیر بودند دقیق می‌شد. بارها و بارها پیش آمده بود که توانسته بودند برخی مجرمان را از شیوه رفتارشان در مقابل خودروی گشت شناسایی کنند، برخی که حرفه‌ای نبودند براحتی تسلیم شده بودند و حرفه‌ایها با فرار عملیات تعقیب و گریزی را رقم زده بودند که در نهایت نیز برای آنها راهی جز کلانتری باقی نمی‌گذاشت.

در حین حرکت با سرعت آهسته چشم افسر گشت به جوانی افتاد که در پیاده‌رو حرکت می‌کرد، دستش را داخل جیبش می‌فشرد انگار که چیز گرانقیمتی را همراه می‌آورد.جوانک به محض دیدن ماشین گشت بر سرعتش افزود و داخل اولین کوچه پیچید، افسر گشت از راننده خواست که او هم با همین سرعت آهسته به داخل کوچه متمایل شود. جوانک که گمان می‌کرد از گشت پلیس دور شده بر سرعتش افزوده و گامهای بلندتری برمی‌داشت اما به محض رویت دوباره خودروی پلیس اقدام به دویدن کرد، اما هنوز چند قدمی نرفته بود که گشت در مقابلش توقف کرده و دستور ایست صادر شد.

افسر گشت با رعایت تمام نکات ایمنی از خودرو پیاده شد، او احتمال می‌داد که شاید جوانک در جیبش اسلحه‌ای داشته باشد، پس نرمی دستش روی غلاف کلت کمری‌اش بود. جوان قدبلند ایستاد بدون هرگونه حرکتی، عرق روی پیشانی‌اش حکایت از استرس فراوان وارده به او داشت.به او نمی‌خورد که خلافکار باشد، نه از ظاهرش و نه از پوشش او، لباس مرتب و چهره متشخص او نشان نمی‌داد که بخواهد رفتاری خلاف دستورات پلیس انجام دهد.

افسر گشت از او خواست که کنار خودرو بایستد تا مورد بازرسی قرار گیرد، چیزی همراهش نبود جز یک حلقه انگشتری طلا و سه حلقه انگشتری نقره، انگار همین‌ها را در دستش می فشرد.

او به کلانتری منتقل شد تا درباره این جواهرات توضیح دهد. مرد جوان که زبانش قفل شده بود، از استرس حتی توان نداشت که گام بردارد و عرق سردی که بر پیشانیش نشسته بود را پاک کند.

او به محض رو به رو شدن با افسر بازجویی کلانتری لب به سخن گشود داستانی را بیان کرد که درد اجتماعی این روزهای کشورمان را درون خود نهفته است.نیاز به گفتن نداشت چون از کارت شناسایی‌اش قبلاً مأموران دریافته بودند اما خودش هم بیان کرد، او یک جوان دارای مدرک فوق لیسانس بود که اکنون باید درباره اتهامش سخن بگوید.

او گفت که در شهرش نتوانسته کاری پیدا کند و برغم داشتن مدرک عالی تحصیلی راهی برای کسب درآمد پیدا نکرده است، پس به مشهد کوچ کرده تا شاید در اینجا کاری پیدا کند.

او گفت که هر جا سر زده اولین چیزی که برای شروع بکارش خواسته‌اند معرف معتبر بوده است. معرف معتبر یعنی همان روابط که بتواند قفل ناگشوده ضوابط را براحتی آب خوردن باز کند.

او در ادامه گفت که زمانی که بی‌پولی به او فشار آورده وارد یک طلا فروشی می‌شود. در حالیکه مرد طلافروش هرگز گمان نمی‌کرده که فردی با این شخصیت بخواهد چیزی را به یغما ببرد، در زمانی که فرد طلافروش به مشتری دیگری مشغول می‌شود با کش رفتن یک حلقه انگشتر مغازه را ترک می‌کند. او که از این موفقیت سرمست و خوشحال بود، سراغ چند فروشگاه نقره جات می‌رود و با همین ترفند چند انگشتر نقره هم به جیب می‌زند.

اما زمانی که استرس فروش این جواهرات دزدیده را داشته و گمان می‌کرده مرد طلافروش موضوع را پلیس اطلاع داده است و او تحت تعقیب است ناگهان سر و کله گشت و پلیس پشت سرش پیدا می‌شود و با رفتار غیرحرفه‌ای‌اش خود را لو می‌دهد.در همین راستا سرهنگ محمد بوستانی، فرمانده انتظامی مشهد به خبرنگار خط قرمز گفت: پسر جوانی که از طلافروشی و فروشگاه نقره جات کش روزنی کرده بود شناسایی و دستگیر شد.

فرمانده انتظامی مشهد با اعلام این خبر گفت: تیم دایره آگاهی کلانتری ۲۹ شیرازی مشهد هنگام گشت‌زنی در خیابان اندرزگو به حرکات و رفتار مرد جوانی که به محض مشاهده خودروی پلیس قصد فرار داشت مشکوک شدند. سرهنگ محمد بوستانی افزود: پلیس، فرد مظنون را دستگیر و در بازرسی از او یک حلقه انگشتری طلا و سه حلقه انگشتری نقره کشف کرد.

وی گفت: متهم که دچار فشار روحی و عصبی شدیدی شده بود در اعترافات اولیه خود صراحتاً به کش‌روزنی از یک طلافروشی در محدوده بلوار معلم و همچنین سرقت از فروشگاه نقره جات در منطقه قاسم‌آباد مشهد اعتراف کرد.

فرمانده انتظامی مشهد اظهار داشت: تحقیقات از متهم ۲۶ ساله که از شهر دیگری به مشهد آمده و دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس است در حالی ادامه دارد که تصور می‌شود او مرتکب کش روزنی‌های دیگری نیز شده باشد.

متهم پرونده در اعترافات خود بیان داشت: ساعت ۸ شب به بهانه خرید انگشتری طلا وارد مغازه طلافروشی شده و در حالی که مالک مغازه سرگرم پاسخگویی به مشتریان خود بوده با سوءاستفاده از غفلت مرد طلافروش، یک حلقه انگشتری را به سرقت برده است. این فرد با توجه به سرنخ‌های موجود و ثبت تصویر چهره متهم به وسیله تجهیزات بازدارنده از سرقت، مورد شناسایی قرار گرفته و تحقیقات از او ادامه دارد.

دوستی با قاچاقچی برای تبعه خارجی گران تمام شد

خط قرمز: حدود یک ماه قبل مرد جوان افغانستانی با مراجعه به دادسرای امور جنایی تهران اظهار داشت چند روز پیش توسط دو دوستش مورد آدم ربایی قرار گرفته است.

وی درباره جزئیات این آدم‌ربایی به بازپرس سهرابی گفت: حدود سه سال است که به ایران آمده‌ام و در پردیس مشغول به کار هستم، چند روز پیش دو دوست افغانستانی‌ام که در پونک مشغول به کار هستند مرا در میدان شوش سوار یک دستگاه پژو کردند و به زیرزمین ساختمان نیمه‌کاره‌ای در پونک بردند و پاهایم را با زنجیر بستند، زمانی که علت این کار را از آنها پرسیدم دوستانم بابت آزادی‌ام از من پول خواستند اما گفتم پولی ندارم. سرانجام قرار شد که با چند نفر تماس بگیرم و پول تهیه کنم و قرار شد یکی دیگر از دوستانم چهار میلیون تومان پول به آدم‌رباها بدهد و در یک قرار کسانی که مرا ربودند چهار میلیون را از دوستم گرفتند. خانواده‌ام در افغانستان هستند و آنها نیز با اطلاع از مسأله، برای آزادی‌ام به آدم‌رباها ضمانت دادند و سرانجام پس از ۱۴ روز آدم‌رباها من را آزاد کردند.

پس از ثبت شکایت مرد افغانستانی تیمی از مأموران اداره آگاهی با دستور بازپرس پرونده برای بازداشت متهمان وارد عمل شدند و بالاخره متهمان اصلی پرونده بازداشت شدند.

یکی از متهمان زمانیکه در برابر بازپرس پرونده قرار گرفت گفت: شاکی با مردی که به صورت قاچاق ما را از مرز عبور می‌داد دوست است و ما از آن فرد قاچاق بر طلب مالی داشتیم به همین دلیل دوستمان را ربودیم تا بتوانیم به پولمان برسیم. سرانجام متهم این پرونده با دستور بازپرس در اختیار مأموران اداره یازدهم آگاهی قرار گرفت تا تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت بگیرد.

قدس خط قرمز
شنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۵ | ۵ صفر ۱۴۳۸ | ۵ نوامبر ۲۰۱۶ | سال بیست و نهم | شماره ۸۲۵۶
پست الکترونیک INFO@QUDSONLINE.IR
www.qudsonline.ir

همه اقوام یک شبه طلبکار شدند

کلاهبرداری از جوان ساده‌دل با کد تلگرام

خط قرمز / بهاره بختیاری: سواد درست و درمونی نداشتم، مجبور بودم برای بدســـت آوردن مخارج زندگـــی در مغازه‌ای که پدرم برایمان به ارث گذاشته بود، کار کنم سر ماه حق و حقوقات خواهر و برادرم را دریافت کنم که خدایی ناکرده مال ناحق وارد زندگی‌ام نشود. هیچ موقع آن دوران یادم نمی‌رود که پدر و مادر خدابیامرزم چقدر به من اصرار می‌کردند حداقل چهار کلاسی درس بخوان، تا در آینده برای حساب و کتاب زندگی خودت دچار مشکل نشوی ولی من در آن دوران جوانی مغرور بودم، حرف حساب به گوشم نمی‌رفت.اما چه کنم، از همان دوران لگد به بخت خودم زدم، اما از حق که نگذریم، بعد از ازدواج خدا رو شـــکر همسرم در تمام مراحل زندگی پشت و پناهم بود. با همان درآمد اندک زندگیمان را می‌گذرانیدیم ولی از آنجایی که تمام دغدغه همســـرم آینده بود که برای زندگی‌مان یک پس‌انداز داشته باشیم، مدام اصرار می‌کرد، در ماه پولی را برای پس‌انداز ذخیره کنم ولی چون من اصـــلاً به آینده زندگی فکر نمی‌کردم، قبول کردن حرف او برایم کمی ســـخت بود. اما او دلش می‌خواست، هر طور شده در این زمینه به حرفش گوش کنم، از خواهر بزرگترم خواست تا کمی من را راهنمایی کند، از آنجایی که دیگر در مقابل حرف‌های او و خواهرم نمی‌توانستم مقاومت به خرج دهم، قبول کردم در بانک نزدیک محل کارم، ماهانه مبلغی را پس‌انداز کنم.

◆ وسوسه برنده شدن

چند ماهی از شـــروع پس‌انداز حسابم در بانک گذشت، تا اینکه بالاخره یک روز که ســـرم خیلی شلوغ بود و شاگردم رفته بود، نماز، فردی با من تماس گرفت و با یک نطق مودبانه شروع کرد بـــه تبریک گفتن و من را به عنوان یک فرد خوش شـــانس که صاحب یک دستگاه ماشین چند میلیونی در بین چندین هزار نفر شده است، معرفی کرد من که با شنیدن این خبر متعجب شده بودم، نمی‌دانستم باید چه جوابی به آنها بدهم، فقط از آن مرد چرب زبان خواستم اجازه بدهد سرم که خلوت شد، به بانک بیایم تا ادامه ماجرای قرعه کشی را آنجا پیگیری کنم.اما انگار که آنها برای آن جواب من از قبل نقشه کشیده بودند، خواستند که فقط چند لحظه صبر کنم و برای تکمیل اطلاعات پرونده همانجا کدی که برای گوشی من ارسال می‌شود را به آنها بدهم و چون آخر وقت است، فردا به بانک مراجعه کنم. از شانس بد روزگار آن لحظه شاگردم کنارم نبود، من هم قدرت تصمیم‌گیری در لحظه نداشتم، همانجا به خواسته آنها تن دادم. اما چون نمی‌دانستم از خوشحالی این خبر را به چه کسی بگویم منتظر بودم شاگردم بیاید زمانی که به مغازه آمد، خبر برنده شـــدنم را در بانک به او دادم اما او مانند من از شـــنیدن خبر خوشحال نشد، گفت اگر دفعه بعدی با شما تماس گرفتند، اطلاعات شخصی‌ات را به آنها تلفنی نده، اما چون من فکر می‌کردم، او بچه است و از این مسایل چیزی سر درنمی‌آورد، دیگر به او چیزی نگفتم، هر چند که توی دلم با حرف‌هاش خالی شده بود. هر چه با خودم فکر کردم، دیدم همسرم از این موضوع باخبر نشود، بهتر است.

◆ تصادفی که خبر نداشتم

چند روزی از این ماجرا گذشـــت ولی خبری از برنده شدنم در بانک بدســـتم نرســـید. کم کم داشتم به حرف‌های شـــاگردم ایمان مـــی‌آوردم که خواهرم زنگ زد و از اینکه خبر تصادفم را به او نداده بودم، ناراحت شـــد. بدون هیچ مقدمه‌ای گفت: اینقدر غریبه شـــده ایم، که باید خبر تصادفـــت را چند روز بعد به ما بدهی و شروع کرد به نصیحت و گفت: نباید بین خواهر و برادر چیزی پنهان بماند، من که فکر می‌کردم، خواهرم دارد شوخی می‌کند، صحبتش را جدی نگرفتم بعد از چند ســـاعت برادرم هم تماس گرفت و همان صحبت‌های خواهرم را تکرار کرد، کم کم داشتم شک می‌کردم و از اینکه چرا افراد فامیل نگران حال من بودند، ترسی در دلم ایجاد شد ولی نمی‌دانستم چه پاسخی به آن‌ها بدهم، تا اینکه در آخر همســـرم نیز شروع کرد به ابراز ناراحتی و تصادف کردن و جریان گرفتن پول از فامیل چیست، چند لحظه هوش از سرم پرید، هیچ جوابی نداشتم به او بدهم، تلفـــن را قطع کردم، از یک طرف به دنبال این بودم که هر چه زودتر موضوع برنده شدنم را در بانک به همسرم بدهم و از سوی دیگر نمی‌دانستم چه کسی می‌خواهد با من شوخی کند، درگیر و دار این موضوعات بودم که همسرم به مغازه آمد از من خواست موضوع تصادفم و تقاضای پول از فامیل را برایش بازگو کنم.

◆ بدهکاری میلیونی به فامیل

من هم که در شوک بودم، نمی‌دانستم به او چه بگویم، او به شدت از رفتارم رنجیده خاطر شـــده بود، مجبور شدم، تمام اتفاقات را برایش بازگو کنم، او که تمام اتفاقات پیش آمده را بدون دلیل نمی‌دانست، برای حل این ماجرا از من خواست به بانک برویم و از خود بانک اطلاعات برنده شدنم را بگیرم، زمانی که به آنجا رفتیم آن‌ها سریعاً این خبر را کذب اعلام کردند و برای پیگیری ماجرا ما را پیش پلیس فرستادند، آنجا و پس از بیان کل ماجرا، مأمور پلیس به ما گفت که هدف یک کلاهبرداری قرار گرفته‌ام و کد پنـــج رقمی در واقع کد نرم افزار تلگـــرام من بوده و فرد کلاهبردار با این ترفند و با نصب و راه‌اندازی تلگرام با شـــماره موبایل من به تمام افراد فامیل پیام داده و درخواست پول کرده و الان خدا می‌داند که چه مقدار از آنها پول گرفته است. در تماس با خواهر و برادرم به صحت حرف‌های افسر پلیس رسیدم، پیامی از سوی من برای آن‌ها ارسال شده بود که در آن گفته شده بود تصادف کردم و نیاز شـــدید مالی دارم تا رضایت بگیرم. شماره حســـاب خودم هم مسدود است پس پول را به حساب دوستم بریزید و شماره کارت فرد کلاهبردار کد ارسال شده بود.

خط گزارش

واکاوی پرونده فرار از خانه

دختر نوجوان بازنده شد

خط قرمز/ طوبی ساقی: پیشنهاد مرد جوان برای فـــرار از خانه به تباهی سرنوشـــت دختر ۱۶ســـاله انجامید. به گزارش خط قرمز، مهناز دختر نوجوانی است که اسیر احساسات خام خود شده و سرنوشتش را به بازی گرفته است. او بدون آن که بداند چه عاقبتی انتظارش را می‌کشد از خانه متواری می‌شود. دختر ۱۶ساله همراه مرد جوان از تهران به مشهد می‌آید. آنها شبی در خانه یکی از دوستان مرد جوان بوده و صبح روز بعد به بهانه گردش از خانه بیرون می‌زنند.

مهناز در حالی که از کرده خود پشـــیمان شده بـــود از مرد جوان می‌خواهد کـــه با خانواده‌اش تمـــاس بگیرد. او تهدید می‌کرد اگر اجازه ندهد به خانواده‌اش زنگ بزند موضوع را به پلیس اعلام خواهد کرد. در این لحظه مرد هوســـران پس از جـــر و بحث لفظی، دختر نوجوان را در خیابانی شـــلوغ رها کرده و متواری می‌شـــود. مهناز در حالی که حیران و سردر گم شده بود با چشمانی گریان از پلیس کمک می‌خواهد. دختر نوجوان به کارشناس اجتماعی کلانتری احمدآباد مشهد گفت: پدر و مادرم به خاطر تربیت من همیشه اختلاف داشـــتند. مادرم می‌گفت: باید آزاد بار بیایم و مســـتقل باشم و بتوانم حق خودم را در جامعه بگیرم. او هیـــچ محدودیتی برایم نمی گذاشـــت اما برعکس، پدرم خیلی نگرانم بود و می‌گفت باید بیشتر مراقبم باشند.

دختر نوجوان افزود: یکروز گوشی تلفن همراهم را مدیر مدرسه‌مان گرفت. با ترس و لرز به خانه رفتـــم. مادرم همان روز گوشـــی مدل بالاتری خرید و گفـــت: بیخود کرده‌اند گوشـــی‌ات را گرفته‌اند. من هر طور دلم می‌خواســـت خودم را آرایش می‌کردم و گاهی نیز با دوســـتانم به تنهایی بیرون می‌رفتیم. مهناز افزود: چندی قبل

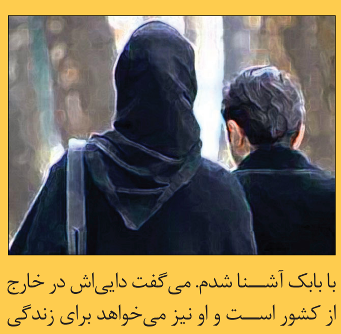

با بابک آشـــنا شدم. می‌گفت دایی‌اش در خارج از کشور اســـت و او نیز می‌خواهد برای زندگی به اروپا برود. ما قرار ازدواج گذاشـــتیم و عشق زندگـــی در خارج برایم شـــیرین و رؤیایی بود. مادرم می‌دانست دوست پسر دارم. اما پدرم خبر نداشت. از طرفی، بابک نیز می‌گفت خانواده‌اش با این ازدواج به شدت مخالف هستند.

مهناز افزود: دوست پسرم پیشـــنهاد داد فرار کنیم. قرار بود به یکی از شهرهای نزدیک تهران برویم. اما جور نشد و او مرا با خود به مشهد آورد و در اینجا به راحتی سرم کلاه گذاشت و... .

من شماره دوستش را روی گوشی‌ام داشتم. به او زنگ زدیـــم. می‌گوید بابک زن دارد و تو نباید فریب می‌خـــوردی و... . پلیس متهم پرونده که عامل اغفال و فریب دختر نوجوان بود را دستگیر کرد. نازنین بیات مختـــاری، مدرس مهارت‌های زندگـــی و مشـــاور خانواده در این بـــاره به خط قرمز گفت: شـــکاف عاطفی و ارتباطی والدین با فرزندان موقعیت سوءاستفاده برای افراد فرصت طلب به وجود می‌آورد تا با ایجاد وابســـتگی‌های عاطفی به راحتی نوجوانان و جوانان کم تجربه را فریب بدهند. وی افزود: متأسفانه به خاطر همین شکاف‌های ارتباطی، والدین به تغییرات رفتاری و روحیات فرزندان خود توجه چندانی نمی کنند و گاه به خاطر این که روشنفکر یا حمایتگر شناخته شوند آزادی‌های بی‌قید و شرط به فرزندان خود می‌دهند و به مشکل دامن می‌زنند. نازنین بیات مختاری افزود: ورود نوجوان از مرحله کودکی به بزرگسالی به طور طبیعی باعث چالش روابط او با پدر و مادرش می‌شود. وی تأکید کرد: تمرکز کلیدی والدین در این سن باید روی آموزش و درونی سازی مسؤولیت پذیری همراه با افزایش آگاهی و مهارت‌های لازم باشد. چرا که نوجوان تابع و موافق شـــاید از سوی والدین با محبت و سازگار شناخته شود اما این رفتار نشان می‌دهد او از نظر درونی، ساختار شخصیتی اش به طور کامل شـــکل نگرفته و برای خودش چارچوب مشخصی ندارد. در واقع چنین نوجوانی قدرت نه گفتن را نیاموخته و به عنوان فردی مهرطلب همیشـــه نگران جلب محبت، توجـــه و تأیید دیگران است. آن روی سکه تربیت نوجوانان نیز فرزندانی را می‌بینیم که به خاطر کم توجهی یا فلسفه غلط تربیتی والدین به شدت پرخاشگر، خود شیفته و بی‌مسؤولیت می‌شوند. این والدین تصـــور می‌کنند آزادی برای رشـــد خلاقیت و مستقل شدن فرزندان لازم است.

خط خبر

دختر آمریکایی پس از قتل احساس آزادی می کند

واشنگتن پست: دختر ۱۸ساله آمریکایی می‌گوید او اکنون در زندان احساس آزادی بیشتری نســـبت به زمان حضور در خانه‌اش در ویسکانسین دارد. اشلی مارتینسن بعد از قتل مادر و پدرخوانده‌اش با حضور در دادگاه تأکید کرد، او در تمام عمر، مورد آزار و اذیت جنسی و روانی توسط مادر و دوستان خود قرار گرفته است اما اکنون احساس راحتی می‌کند. اشلی مارتینسن یک روز بعد از تولدش تصمیم به ترک همیشگی خانه گرفت اما پدر خوانده‌اش نه تنها این اجازه را به او نداد بلکه او را از رفتن به مدرســـه و سر کارش نیز منع کرد. اشلی ابتدا قصد داشته با تفنگ شاتگان پدرخوانده‌اش خودکشی کند، اما بعد از آنکه با او رودررو می‌شود به سمت او تیراندازی می‌کند. مادرش بعد از دیدن این صحنه چاقوی نزدیک به خود را به پای او می‌زند اما او چاقو را از دست مادرش گرفته و با آن بیش از ۳۰بار ضربه زده و او را به قتل می‌رساند.

قاتل همسر و کودک در آمریکا دستگیر شد

مایامی هرالد: راننده کامیون حمل بســـتنی در شهر مایامی آمریکا پس از قتل همسر و بزرگترین پسرش، چند ساعت بعد توسط پلیس دستگیر شد. فادل جابادو، که به شدت دچار مشکلات مالی شده و همسرش در آستانه طلاق از او قرار داشت، به مدت سه ساعت به تعقیب و گریز با مأمورین پلیس ادامه داد و بعد از متوقف شدن و محاصره توسط آن ها، از مأمورین پلیس خواست که او را بکشند. او سپس اسلحه خود را بیرون کشیده و به شکلی بی هدف شروع به تیراندازی به سمت مأمورین کرد و مأمورین پلیس نیز با اینکه او را زخمی کردند اما نتوانستند او را به آرزوی خودش برسانند. جابادوی ۵۴ساله به خاطر جراحات وارده با هلیکوپتر به مرکز درمانی برده شده و وضعیت وخیمی دارد.

افزایش سه برابری حملات به پلیس در آمریکا

یواس‌ای تودی: میزان قتل مأموران پلیس که توســـط مهاجمینی که برای حمله به آن‌ها کمین می‌کنند، رشد چشمگیری داشته و در ۶ماهه اول سال ۲۰۱۶ به میزان ۳۰۰درصد بیشتر شده است. از ماه ژانویه تا ماه جولای سال ۲۰۱۶، ۱۴مأمـــور پلیس در آمریکا مورد کمین افراد مســـلح قرار گرفته و به قتل رســـیده‌اند. این در حالی اســـت که ۷ مأمور دیگر در زمان متوقف کردن فردی مظنون کشته شده و ۵مأمور نیز در زمان عملیات تاکتیکی پلیس برای دستگیری متهمان کشته شده‌اند. البته این آمار تا ماه جولای ارایه شده و به عنوان مثال دو مأمور پلیســـی که در همین چهارشـــنبه گذشته توسط افراد مســـلحی که برای حمله به آن‌ها کمین کرده بودند و به قتل رسیدند در آن دیده نمی‌شود. مرگبارترین حملات به پلیس در ۶ماهه اول سال ۲۰۱۶، شامل حمله میکا خاویر، سرباز سابق ارتش آمریکا در جنگ افغانستان، و قتل ۵تن و زخمی کردن ۹نفر مأمور دیگر در دالاس بوده و دیگری سیاهپوستی که ۳مأمور پلیس را در باتون روژ در لوئیزیانا به قتل رساند و ۳ مأمور دیگر را زخمی کرد.

آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابـر آراء هیـأت موضوع قانون تعیین تکلیـف وضعیت ثبتی اراضی وسـاختمان های فاقد سـند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی اسـفراین تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده اسـت.لذا مشخصات متقاضی وملک مورد تقاضا به شـرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می شود.
بخش ۵ بجنورد
پلاک ۷۳ اصلی قریه حسین
کلاسـه ۱۳۹۵۱۱۴۴۰۷۱۱۶۰۰۰۰۸۵ آقای حمزه ابراهیمی رضایی فرزند غلامحسـن شش دانگ مغـازه و منزل متصل به مسـاحت ۱۳۸،۲۵ متر از ۱۹۴۷ فرعـی از ۷۳ اصلی از محل مالکیت مشاعی متقاضی و پلاک ۱۲۵و ۱۲۶ فرعی از ۷۳ اصلی از محل مالکیت توران امیری
لذا به این وسـیله به فروشـندگان و مالکین مشاعی و اشـخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ میگردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محـل تا ۲ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسـلیم ورسـید اخذ نمایند معترضین باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسـلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومـی محل نمایند وگواهی تقدیم دادخواسـت به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتـی که اعتراض درمهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواسـت به دادگاه عمومی محل ارایه ننماید اداره ثبت محل مبادرت به صدور سـند خواهد نمود.ضمن اینکه صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرربه دادگاه نخواهد شد.۹۵۱۴۲۳۱
اکبر اقبالی
کفیل ثبت اسناد و املاک اسفراین
تاریخ انتشار نوبت اول:چهار شنبه ۹۵/۰۷/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۹۵/۰۸/۱۵

آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابـر آراء هیـأت موضوع قانون تعیین تکلیـف وضعیت ثبتی اراضی وسـاختمان های فاقد سـند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی اسـفراین تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده اسـت.لذا مشخصات متقاضی وملک مورد تقاضا به شـرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می شود.
بخش ۵ بجنورد
پلاک ۶۴اصلی قریه خرینان
کلاسـه ۱۳۹۵۱۱۴۴۰۷۱۱۶۰۰۰۱۳۳ آقای حسـین سـنگ سـفیدی فرزند غلامرضا شش دانگ منزل به مسـاحت ۱۷۶ متر مربع از پلاک ۴۸فرعـی از ۶۴ اصلی از محل مالکیت فاطمه حقای بوستانی
لذا به این وسـیله به فروشـندگان و مالکین مشاعی و اشـخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ میگردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محـل تا ۲ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسـلیم ورسـید اخذ نمایند معترضین باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسـلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومـی محل نمایند وگواهی تقدیم دادخواسـت به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتـی که اعتراض درمهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواسـت به دادگاه عمومی محل ارایه ننماید اداره ثبت محل مبادرت به صدور سـند خواهد نمود.ضمن اینکه صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرربه دادگاه نخواهد شد.۹۵۱۴۲۳۶
اکبر اقبالی
کفیل ثبت اسناد و املاک اسفراین
تاریخ انتشار نوبت اول:چهار شنبه ۹۵/۰۷/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۹۵/۰۸/۱۵

آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابـر آراء هیـأت موضوع قانون تعیین تکلیـف وضعیت ثبتی اراضی وسـاختمان های فاقد سـند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی اسـفراین تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده اسـت.لذا مشخصات متقاضی وملک مورد تقاضا به شـرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می شود.
بخش ۵ بجنورد
پلاک ۷۳ اصلی قریه حسین
کلاسـه ۱۳۹۱۱۱۴۴۰۷۱۱۶۰۰۰۷۷۶ آقای حسـن الهی فرزند غلامحسـین شش دانگ منزل به مسـاحت ۲۳۶،۶۴ متر از پلاک ۱۳۱ فرعی از ۷۳ اصلـی از محل مالکیت مازیار حاتمی میلانلو فرزند پرویز
لذا به این وسـیله به فروشـندگان و مالکین مشاعی و اشـخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ میگردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محـل تا ۲ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسـلیم ورسـید اخذ نمایند معترضین باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسـلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومـی محل نمایند وگواهی تقدیم دادخواسـت به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتـی که اعتراض درمهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواسـت به دادگاه عمومی محل ارایه ننماید اداره ثبت محل مبادرت به صدور سـند خواهد نمود.ضمن اینکه صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرربه دادگاه نخواهد شد.۹۵۱۴۲۳۲
اکبر اقبالی
کفیل ثبت اسناد و املاک اسفراین
تاریخ انتشار نوبت اول:چهار شنبه ۹۵/۰۷/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۹۵/۰۸/۱۵

آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابـر آراء هیـأت موضوع قانون تعیین تکلیـف وضعیت ثبتی اراضی وسـاختمان های فاقد سـند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی اسـفراین تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده اسـت.لذا مشخصات متقاضی وملک مورد تقاضا به شـرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می شود.
بخش ۵ بجنورد
پلاک ۶۳اصلی قریه کریم
کلاسـه ۱۳۹۵۱۱۴۴۰۷۱۱۶۰۰۰۰۷۱ خانـم مریم کمالی فرزند غلامحسـین شـش دانگ منزل به مساحت ۱۹۰،۲۱ متر مربع از آب و اراضی پلاک ۶۳ اصلی از محل مالکیت علیرضا فیاض
لذا به این وسـیله به فروشـندگان و مالکین مشاعی و اشـخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ میگردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محـل تا ۲ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسـلیم ورسـید اخذ نمایند معترضین باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسـلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومـی محل نمایند وگواهی تقدیم دادخواسـت به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتـی که اعتراض درمهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواسـت به دادگاه عمومی محل ارایه ننماید اداره ثبت محل مبادرت به صدور سـند خواهد نمود.ضمن اینکه صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرربه دادگاه نخواهد شد.۹۵۱۴۲۳۳
اکبر اقبالی
کفیل ثبت اسناد و املاک اسفراین
تاریخ انتشار نوبت اول:چهار شنبه ۹۵/۰۷/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۹۵/۰۸/۱۵

آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابـر آراء هیـأت موضوع قانون تعیین تکلیـف وضعیت ثبتی اراضی وسـاختمان های فاقد سـند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی اسـفراین تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده اسـت.لذا مشخصات متقاضی وملک مورد تقاضا به شـرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می شود.
بخش ۵ بجنورد
پلاک ۶۳ اصلی قریه کریم
[illegible]
لذا به این وسـیله به فروشـندگان و مالکین مشاعی و اشـخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ میگردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محـل تا ۲ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسـلیم ورسـید اخذ نمایند معترضین باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسـلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومـی محل نمایند وگواهی تقدیم دادخواسـت به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتـی که اعتراض درمهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواسـت به دادگاه عمومی محل ارایه ننماید اداره ثبت محل مبادرت به صدور سـند خواهد نمود.ضمن اینکه صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرربه دادگاه نخواهد شد.[illegible]
اکبر اقبالی
کفیل ثبت اسناد و املاک اسفراین
تاریخ انتشار نوبت اول:چهار شنبه ۹۵/۰۷/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۹۵/۰۸/۱۵

آگهی تجدیدی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

[illegible]
تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵
رئیس ثبت اسناد و املاک دره شهر- حجت پورمند

آگهی تحدید حدود اختصاصی

[illegible]
تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک دره شهر- حجت پورمند

آگهی مزایده اموال منقول

[illegible]

فاز KW ۲،۲ به قیمت ۳۰۵/۲۰۰/۰۰۰ ریال
۵- یک دستگاه مخلوط کن (اول) با الکتروموتور تیپ ۳۳۶ TK-VM به قیمت ۱۵۸/۰۵۰/۰۰۰ ریال
[illegible]
رییس اداره اجرای اسناد رسمی ایلام - هوشنگ بابایی

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد رهنی)

[illegible]
رییس اداره اجرای اسناد رسمی ایلام
هوشنگ بابایی